

# هنر و معنویت

(مجموعه مقالاتی در زمینهی حکمت هنر)

شوان، گنون، کوماراسوامی، نصر و ...

تدوین و ترجمه:

انشاءالله رحمتی

## فهرست مطالب

عنوان	صفحة
پیشگفتار	۱
یادداشت مترجم	۳
هنر و زیبایی از دیدگاه شوان (سیدحسین نصر)	۱۱
حقوق و تکالیف هنر (فریتیوف شوان)	۱۵
حقایق و خطاهایی دربارهی زیبایی (فریتیوف شوان)	۲۳
پی‌نوشت‌ها	۳۷
دربارهی صورت‌ها در هنر (فریتیوف شوان)	۴۱
پی‌نوشت‌ها	۶۱
زیبایی‌شناسی و رمزپردازی در هنر و طبیعت (فریتیوف شوان)	۶۷
فصل اول	۶۷
فصل دوم	۹۴
پی‌نوشت‌ها	۱۰۱
اصول و معیارهای هنر (فریتیوف شوان)	۱۰۵
پی‌نوشت‌ها	۱۴۱
فلسفه‌ی هنر سیدحسین نصر (الیوت دیوتش)	۱۵۵
پی‌نوشت‌ها	۱۷۱
پاسخ نصر به الیوت دیوتش (سیدحسین نصر)	۱۷۵
از وحی قرآنی تا هنر اسلامی (ژان لوئیس میکون)	۱۹۹

۱۹۹	بخش اول: پیام هنر اسلامی .....
۲۰۲	۱. هنر - جزء مکمل زندگی مسلمانان .....
۲۰۷	۲. زیان‌های صوری .....
۲۱۳	نتیجه‌گیری .....
۲۱۵	پی‌نوشت‌ها .....
۲۱۷	ارزش‌های جاویدان در هنر اسلامی (تیتوس بورکهارت) ....
۲۳۷	درباره‌ی آموزه‌ی سنتی هنر (آندا کی. کوماراسوامی) .....
۲۳۸	هنر آسیایی .....
۲۶۱	هرمس (رنه گنون) .....
۲۶۹	پی‌نوشت‌ها .....
۲۷۵	قوه‌ی ملکوتی خیال (برین کیبل) .....
۲۸۵	پی‌نوشت‌ها .....
۲۸۷	صورت حق (هانری کربن) .....
۲۸۷	۱. حدیث رؤیت .....
۲۹۵	۲. طوافِ کعبه‌ی عرفانی .....
۳۰۱	پی‌نوشت‌ها .....
۳۲۳	نمایه .....

## پیشگفتار

در تداوم معرفی رویکردهای گوناگون هنری به هنرمندان و هنرپژوهان ایرانی، فرهنگستان هنر در این پژوهش کوشش کرده است تا هنر را از منظر سنت‌گرایان معرفی کند. سنت‌گرایی یکی از جریانات اساسی روزگار ماست که نه تنها نمی‌توان آن را نادیده گرفت، بلکه آراء و نظرات سنت‌گرایان می‌تواند چگونگی نگرش به انسان و زندگی را دچار دگرگونی‌های اساسی کند. دیگر این که هنر نزد سنت‌گرایان دارای ارزش و اعتبار فراوانی است، چنانچه آثار هیچ سنت‌گرایی را نمی‌توان یافت که دست کم بخشی از آن به هنر اختصاص نیافته باشد. بخش مهمی از آثار رنه گون، آنداکی. کوماراسوامی، فریتیوف شوان، سیدحسین نصر، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز و بسیاری دیگر به هنرپژوهی مربوط می‌شود. بنابراین، نظریات سنت‌گرایان در مورد برخی از جنبه‌های هنری همچون هستی‌شناسی اثر هنری، رابطه هنر با حقیقت، طبیعت و انسان، هنر و دیدگاه‌های تاریخی، تخیل هنری، خلاقیت و شهود در هنر، زبان هنری، نمادپردازی و تأویل، جمال و علم استحسان و... برای پژوهشگرانی که از منظر فکری دیگری برخوردارند نیز غیر قابل چشم‌پوشی است.

خوشبختانه آرای سنت‌گرایان به ویژه در خصوص هنر برای پژوهشگران ایرانی ناشناخته نیست. به ویژه این که تنی چند از متفکران ایرانی همچون سیدحسین نصر خود در شکل‌گیری و معرفی این اندیشه نقش اساسی داشته‌اند.

به همین دلیل جامعهٔ پژوهشی ما بر عکس برخی از موضوعات، در این خصوص دارای منابع و مراجع قابل توجهی است و از این لحاظ نسبت به بسیاری از کشورها پیش دارد. اثر حاضر در تداوم این شناخت کوشیده است تا مقالات اصلی نظریه‌پردازان سنت‌گرا را دربارهٔ هنر در مجموعه‌ای واحد گردآوری کند. بسیاری از این مقالات برای نخستین بار ترجمه می‌شوند و برخی دیگر نیز به دلایلی چند از نو ترجمه شده‌اند.

این اثر همزمان با هماندیشی "هنر، سنت و سنت‌گرایان" منتشر می‌شود که به طور مشترک توسط فرهنگستان هنر و مؤسسهٔ حکمت و فلسفه برگزار می‌گردد. همچنین همراه با این اثر چندین اثر دیگر نیز توسط این دو نهاد در حال انتشار است. امید است با چاپ این کتاب‌ها و مقالات هماندیشی بتوان بیش از پیش در شناساندن نظریات سنت‌گرایان در مورد هنرگام برداشت.

در پایان از آقای دکتر انشاء‌الله رحمتی، مترجم فهیم این مجموعه مقالات که خود از کارشناسان عرصهٔ سنت‌گرایی محسوب می‌شوند، قدردانی می‌شود. همچنین از جناب آقای دکتر غلامرضا اعوانی، ریاست محترم مؤسسهٔ حکمت و فلسفه که خود نیز از نام‌آوران این حوزه محسوب می‌شوند، تقدیر و تشکر می‌گردد. همچنین لازم است از کلیهٔ کسانی که در چاپ این اثر و برگزاری هماندیشی تلاش کرده و می‌کنند نیز سپاسگزاری شود.

بهمن نامور مطلق  
معاون علمی - پژوهشی فرهنگستان هنر

## یادداشت مترجم

سنت‌گرایی<sup>۱</sup> به عنوان یک جریان فکری و فلسفی بارنه گنون (۱۸۸۲-۱۹۵۱)، متفکر فرانسوی، آغاز شد، آندا کی. کوماراسوامی، متفکر سیلانی (۱۸۷۷-۱۹۴۷)، در همین وادی سلوک کرد. فریتیوف شوان، نیز به این جریان پیوست. به یعنی مجاهدت‌های شخصیت‌های برجسته‌ی دیگری چون تیتوس بوکهارت، ماتین لینگز، سید حسین نصر، مارکوپالیس، آراء و مدعیات سنت‌گرایان همواره ترویج و تشریح شده است و این نگرش به عنوان جریانی پویا و سرزنشه همچنان در جهان امروز نشو و نما دارد.

مباحث سنت‌گرایان، عمدهاً مباحثی نظری در زمینه‌ی ما بعد الطبیعه، اخلاق، انسان، عرفان، دین و هنر است. همه‌ی شخصیت‌های این نحله، کم و بیش به این موضوعات پرداخته‌اند. از آنجا که موضوع بحث مجموعه مقالات حاضر، پیرامون هنر سنتی و مبانی حکمی و نظری این نوع هنر است، توضیحی مختصر درباره هنر از منظر و مرآی سنت‌گرایان، ایراد می‌شود، با این امید که فایدتی در آن باشد و خواننده را در دنبال کردن مباحث طرح شده در مقالات یاری دهد.

---

1. traditionalism

هنری که مورد قبول و تصویب سنت‌گرایان است و در واقع آن را هنر راستینی تلقی می‌کنند که در میان بشر حق حیات دارد و می‌تواند برای وی مایه‌ی نشاط و کمال باشد، همان هنر سنتی است. مراد از هنر سنتی، هنری است که در دامان سنت بالیده است. سنت به معنای مورد نظر این جماعت، امری منسخ و مربوط به گذشته‌ی ایام که دورانش به سرآمده باشد، نیست. مراد از سنت در حقیقت همان سنت خالده است که از قید زمان و مکان بیرون است و پیوسته در عالم حضوری زنده دارد. سنت همان حقایق پاینده و جاوداهای است که خداوند خلق و مقدر فرموده است و تغییر و تبدیلی در امر و خلق خداوند راه ندارد. بنابراین، سنت ازلی و بی‌زواں است؛ چیزی که هست این است که گاهی در محاق می‌افتد و بسان خورشید در پس ابر نهان می‌گردد، ولی این وضع دیری دوام نمی‌آورد. با این همه، آنچه از ناحیه‌ی تجدد برسنت رفته، همین است که سنت دستخوش افول شده است. بنابراین، هنر سنتی، به معنای هنری است که در زمین حاصلخیز سنت پدیده آمده و با استفاده از موهب آن بالیده و به شکوفایی رسیده است.

سنت‌گرایان در مقام تعیین جایگاه هنر سنتی در گستره‌ی تاریخ، معتقدند که تاریخ در همه‌ی ادوار سیری بهنجار و به رغم تفاوت‌های زمانی، مکانی، دینی، نژادی و... آهنگی یکسان داشته و به موجب همین است که با وجود همه‌ی ملل و نحل مختلفی که در عالم موجود بوده و هست، دم از «وحدت متعالی ادیان» می‌زنند. ولی تاریخ مغرب زمین از آغاز دوران رنسانس به بعد که البته سابقه‌ای هم از آن در دوران شرک آلود یونان و روم موجود است، از سیر بهنجار تاریخ بشر عدول کرده است. بنابراین سنت‌گرایان، هنری را که در میان همه‌ی اعضای نوع بشر، چه در جوامع ابتدایی، چه در میان مردم شرق در

همهی تاریخ و چه در جهان غرب تا پایان قرون وسطی، و به خصوص در همان دوران قرون وسطی، پدید آمده است، هنر سنتی می‌دانند. ولی هنری را که محصول دوران رنسانس و دوران متجدد، یعنی همان مقطع عدول مغرب زمین از سنت، است، هنر ناسوتی (غیرسنتی) قلمداد می‌کنند (البته، بدیهی است که این انحراف و انحطاط مغرب زمین در قرون اخیر، به صورت جسته گریخته به ممالک شرقی نیز تسری یافته است).

برای توضیح بیشتر دربارهی هنر سنتی، خوب است که آن را با سه مفهوم دیگر، یعنی هنر ناسوتی، هنر دینی و هنر قدسی مقایسه کنیم. هنر ناسوتی، دستاورد انسان‌ها و اجتماعات بریده از سنت و پشت کرده به معنویت و روحانیتی است که سنت تعلیم می‌دهد. هنر ناسوتی، هنری است بریده از عالم معنا و منبع الهام آن روان فردی بشر است که خود را مستقل می‌انگارد و در مملکت وجود خویش، هیچ الهام و اقتدار برتری را نمی‌شناسد و نمی‌پذیرد. هنر ناسوتی درست در مقابل هنر سنتی قرار دارد. هنر دینی، هنری است که تقابل آشکاری با هنر ناسوتی ندارد و حتی ممکن است از همان موضع و منظر ناسوتی دست به خلاقیت هنری بزند و تنها وجه برای دینی خواندن‌اش، این است که به موضوعات دینی می‌پردازد و وظایف و تعهداتی دینی برای خویش مقرر می‌دارد (هنر کلیساي مسيحي در دوران رنسانس و دوران متجدد، عمدتاً چنین هنری بوده است). ولی سنتی بودن هنر سنتی نه به دلیل موضوع آن، بلکه به دلیل روش و سبک اجراء آن و درنهایت به دلیل آن است که منبع الهام و خاستگاه این نوع هنر از روان منفرد و مستقل بشری بسی فراتر است و در این هنر، هنرمند فقط محمل و مجرای رحمتی است که از عالم معنا منبعث شده است. در اینجا در حقیقت وصف بارز هنرمند همان است که «ماچو نائیم و نوا

در ما ز توست».

اما هنر سنتی تنها به موضوعات و وظایف دینی نمی پردازد، بلکه در جای جای زندگی بشر حضور دارد. این هنر به تمام معنا عملی است و نظریه «هنر برای هنر» هرگز در عرصه‌ی آن جایی ندارد. این هنر خلق نشده است تا در میان جماعت بشری اسبابی برای تجمل پرستی و عیاشی باشد و آدمی را سردرگم سازد و به خود مشغول دارد. در حقیقت هنر سنتی همواره می‌خواسته است برای بشر «یار شاطر باشد و نه بار خاطر»؛ هم در حیات دنیاگی و هم در حیات اخروی به یاری او بستاً بدد. حال اگر چنین هنری به موضوعات دینی پردازد و چنین خدمتی را وظیفه خود کند، هنر قدسی است. در واقع، هنر قدسی قلب هنر سنتی و ساحت ناب آن است. هنر قدسی چونان وحی آسمانی، به عناصر عبادی، آیینی و باطنی سنت مربوط می‌شود و برای آن خلق شده است تا در عالی‌ترین سطح حیات بشر را سرشار از معنا سازد.

مقالاتی که ترجمه‌ی فارسی آنها به محضر خوانندگان ارجمند تقدیم می‌شود، مباحثی است که سنت‌گرایان در مقام شرح و تبیین هنر سنتی و دفاع از آن به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند. شوان که می‌توان او را برجسته‌ترین متفسر سنت‌گرا قلمداد کرد، در بیشتر آثار متعدد خویش، فصلی را به موضوع هنر اختصاص داده است. در اینجا پنج مقاله از کتب مختلف شوان گزینش و ترجمه شده است. این پنج مقاله، از زوایای مختلف به معرفی هنر سنتی، طرح و تبیین بنیادهای مابعدالطبیعی این هنر و زبان رمزی آن می‌پردازند. به علاوه، در این مقالات شوان به نقادی بسیاری از این دوران متجدد مبادرت می‌کند و از خطاهایی که دامنگیر این هنر شده است، پرده بر می‌گیرد. به خصوص مفهوم خلاقیت و نوآوری را که این همه در هنر متجدد از آن سخن می‌رود، به نقد

می‌کشد و بر آن است که این به اصطلاح اصالت و خلاقیت، چون از مبدأ اصیل هستی بریده است، چیزی جز نوآوری‌های بی‌اصل و بنیاد روان فروتر بشر نیست و نمی‌تواند اعتباری عینی و جهانشمول داشته باشد. این اصالت و خلاقیت ادعایی، چیزی جز بدعت و بی‌اصل و مبنایی نیست. ترجمه نوشته‌ای با عنوان «هنر و زیبایی از دیدگاه شوان» به قلم سیدحسین نصر، در این مجموعه درج شده است که در حقیقت می‌توان آن رامقدمه‌ای بر آرائی دانست که در مقالات شوان، آمده است.

بدیهی است که نقدها و چالش‌هایی پیش روی شوان وجود دارد، و بنابراین لازم است فضایی نیز به این بحث اختصاص داده شود. با این هدف، مقاله‌ای تحت عنوان «فلسفه سنتی هنر سیدحسین نصر» در این مجموعه قرار گرفت. در این مقاله الیوت دیوتش خطاب به سیدحسین نصر نقدها و سئوالاتی را درمورد هنر سنتی مطرح می‌کند و علاوه بر این چالشی را به بیان می‌آورد مبنی بر این که آیا این منظر سنتی دریارهی هنر، برای انسان امروز که دیگر نمی‌تواند در دنیای سنتی روزگار بگذراند، دستاورد قابل اعتمای دارد. آیا می‌تواند سازوکاری برای تحقیق و ترویج معنویتی مستقل از سنت در دنیای امروز، عرضه کند. مقاله‌ی بعدی که جوابیه‌ی استاد نصر به دیوتش است، مسأله‌ی تقابل سنت و تجدد را مورد بحث قرار می‌دهد و می‌کوشد تا نشان دهد که منظر سنتی تا چه حد و چگونه، کماکان می‌تواند در زندگی بشر منشأ اثر باشد. از آنجا که استاد نصر خود را با شوان همدل و همفکر می‌داند و همواره در شرح و بسط منظر سنت‌گرایانه و به خصوص آراء شوان کوشیده است، این دو مقاله می‌تواند نیاز به مواجهه‌ی انتقادی با آرای سنت‌گرایان و دفاع آنان از موضع خویش را، تا حدی برآورده سازد.